

چالش‌های حقوقی تعهدات انفرادی و مشترک دول عضو اتحادیه اروپایی در قبال پناهندگان و مهاجران

عباسعلی کدخدایی^۱، ثریا رستمی^{۲*}

چکیده

اتحادیه اروپایی در تلاش جهت مدیریت بحران پناهجویان سوری، با تدوین نظام مشترک پناهندگی کوشیده است رویکرد دولت‌های عضو را به این پدیده انسجام بخشد و از طریق سیاست برون‌سپاری بخشی از بار مسئولیت این امر را به دولت‌های ثالث واگذار کند. در مقاله توصیفی-تحلیلی پیش رو، ضمن تعریف و بررسی مفاهیم نظری مرتبط با پناهندگی، معاهدات بین‌المللی و اروپایی و اصول حقوقی نشأت‌گرفته از آنها، به‌منزله مبنای حقوقی نظام حمایت از پناهندگان بررسی می‌شود. همچنین رویه قضایی دادگاه‌های اروپایی در تفسیر این حقوق بررسی خواهد شد از استقرا در منابع پیش‌گفته چنین برمی‌آید که واکنش دولت‌های اروپایی به این بحران اغلب به دلیل تأثیر متغیرهای کمی و کیفی از جمله تعداد، سن، جنسیت و وضعیت‌های خاص پناهجویان، متفاوت و در مواردی متعارض است. از این رو اعمال اصلاحات اساسی در نظام حقوقی و سیاسی اتحادیه و دول عضو، از جمله ایجاد نظام قانونی مشترک بر مبنای معیارهای حقوق بشر، تسریع فرایند بررسی درخواست پناهندگی و تسهیل اعطای آن، و خودداری از اعمال رویه دولت‌های امن جز در موارد خاص، ضروری می‌نماید.

کلیدواژگان

اتحادیه اروپایی، بحران پناهجویان سوری، حقوق پناهندگی، دادگاه اروپایی حقوق بشر، دیوان دادگستری اروپایی.

۱. استاد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. Email: kadhoda@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده

Email: soraya.rostamii@gmail.com

مسئول). تلفن: ۰۹۱۷۳۰۳۲۱۷۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۷

مقدمه

در سال ۲۰۱۵ یک میلیون و سیصد و بیست و یک هزار و ششصد نفر در ۲۸ کشور عضو اتحادیه اروپا تقاضای پناهندگی داده‌اند. این رقم نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۷۵ درصد افزایش یافته است. غالب متقاضیان اتباع کشور سوریه بوده‌اند که به دلیل جنگ داخلی به اروپا گریخته‌اند (UNHCR, Report, 2015:2). این موج با امواج پناهندگی قبلی اروپا به دلایل مختلف متفاوت بوده است، چه به لحاظ حوزه جغرافیایی، چه به دلیل تفاوت‌های فرهنگی، نژادی و چه به سبب تفاوت در تعداد متقاضیان. شرایط سیاسی و اقتصادی دولت‌های اروپایی نیز در سال‌های اخیر متفاوت بوده است این موارد رویکرد دول عضو اتحادیه و نحوه اجرای تعهدات حقوقی برگرفته از نظام حقوق بین‌المللی و اروپایی پناهندگی را تحت تأثیر قرار داده است.

در خصوص مهاجران سوری دو دیدگاه عمده در میان دولت‌های اروپایی وجود دارد؛ گروهی با استناد به ارزش‌های حقوق بشر بر لزوم حمایت بین‌المللی از این آوارگان تأکید می‌کنند، در حالی که دسته دیگر با توجه به تمایل این افراد در رسیدن به مرزهای کشورهای اروپای غربی و شمالی-با توجه به سطح بالای رفاه و توسعه یافتگی این کشورها- آنان را مهاجران اقتصادی در جست‌وجوی فرصت‌های اقتصادی و شغلی محسوب می‌کنند (پرویزی، ۱۳۹۴: ۱۵).

در برخورد با پدیده جابه‌جایی افراد و در خصوص دولت‌ها همواره چند موضوع وجود داشته است: ۱. وجود بعد بشردوستانه در خصوص موضوع، ۲. وجود چارچوب حقوقی غیرمنعطف حاکم بر عملکرد دولت‌ها در درون و بیرون قلمروشان که مدیریت پدیده مهاجرت و پناهندگی را از نظام حقوق داخلی منتزع می‌کند؛ و ۳. وجود حقوق بین‌الملل حتی در آنجا که دولت‌ها کوشیدند تا با استناد به غیرقانونی بودن مهاجرت از برخی قواعد و حقوق افراد در نظام بین‌الملل شانه خالی کنند (Goodwin-Gill, 2016:28). از دهه هشتاد قرن بیستم در کنار ملاحظات بشردوستانه و الزامات بازار کار، ناتوانی دولت‌های ملی در مدیریت این پدیده توجه نهادهای اروپایی را به لزوم برخورد هماهنگ و مدیریت سازمان یافته آن جلب کرد. از این رو اروپا در دهه اخیر کوشیده است تا رویکردی واحد در این خصوص اتخاذ کند؛ موضوعی که با عنوان اروپایی‌سازی سیاست پناهندگی و مهاجرت از آن نام برده می‌شود؛ امری که از رویه قضایی دادگاه‌های اروپایی نیز قابل برداشت است.

در مقاله پیش رو با بررسی مقررات حقوق پناهندگی در هر دو سطح اروپایی و بین‌المللی نقش متغیرهای پیش‌گفته را بر تدوین و اجرای قوانین در اتحادیه و نیز بر سیاست‌های آن بررسی خواهیم کرد. پس از آن رویه قضایی دیوان دادگستری اروپایی و دادگاه اروپایی حقوق بشر را با هدف دستیابی به الگویی از نحوه مدیریت اروپایی پدیده پناهندگی و تعیین

کاستی‌های آن و در نهایت ارائه پیشنهاد‌های عملی در زمینه تدبیر هر چه بهتر و تضمین هر چه بیشتر حقوق پناهندگان بررسی می‌کنیم.

مفاهیم نظری

مطابق تعریف لغوی، "مهاجر" به شخصی که از وطن خود هجرت نماید و در سرزمین دیگری سکنی گزیند، اطلاق می‌گردد (دهخدا، ۱۳۳۸: ۱۵۴). مهاجرت اجباری وضعیتی است که در آن گروهی از انسان‌ها مجبور به ترک محل سکونت خود و نقل مکان به نقطه دیگری در درون کشور خود یا خروج از آن هستند؛ و "پناهنده" به افرادی اطلاق می‌شود که به دلایل سیاسی، مذهبی یا اجتماعی نتوانند در کشور متبوعشان زندگی کنند و مجبورند به دلیل ترس از جان به کشور دیگری پناه جویند (سلجوقی، ۱۳۷۷: ۷۳).

از نظر حقوق بین‌الملل، حمایت‌های ناظر بر پناهندگان شامل مهاجران نخواهد شد، این افراد همچنان تابع دولت اصلی خود بوده و از حقوق شهروندی خود برخوردارند، دولت‌های میزبان تعهدی در قبال این افراد ندارند و صرفاً در چارچوب قوانین خود اجازه اقامت برای آنها صادر خواهند کرد که می‌تواند موقتی باشد یا به مرور زمان خصلت دائمی به خود گیرد.

پناه‌جو در دولت میزبان ممکن است با سه وضعیت روبه‌رو شود: ۱. پناه‌ندگی، ۲. حمایت جایگزین (هر دو به‌عنوان حمایت بین‌المللی به موجب قوانین اتحادیه به رسمیت شناخته می‌شوند) و ۳. وضعیت حمایت بشردوستانه (حمایت ملی اعطاشده به مهاجرانی که شرایط لازم برای دو مورد اول کسب نمی‌کنند، اما مجاز به اقامت در کشور میزبان به دلیل بشردوستانه‌اند).

به لحاظ تعریف حقوقی به استناد کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو که می‌توان آن را اصلی‌ترین منبع حقوق پناهندگان دانست، عنوان پناهنده به "شخصی که به‌علت ترس موجه از اینکه به‌علل مربوط به نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در گروه‌های اجتماعی خاص یا دارا بودن عقیده سیاسی خاص مورد آزار قرار گیرد و در خارج از کشور متبوع خود به‌سر می‌برد و نمی‌تواند یا به‌علت ترس مذکور نمی‌خواهد به آن کشور بازگردد و تحت حمایت آن کشور قرار گیرد"، اطلاق می‌گردد (ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۵۱ حقوق پناهندگان).

ترس وقتی موجه تلقی می‌شود که فرد به‌واقع قربانی آزار شده باشد یا دلایل معتبری برای وجود آزار ارائه دهد؛ به‌عبارت دیگر، عنصر عینی و ذهنی عناصر تشکیل‌دهنده این مفهوم محسوب می‌شوند (کیهانلو، ۱۳۹۰: ۲۴). کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد آزار را چنین توصیف می‌کند: "آزار به‌طور معمول به اقداماتی مربوط است که توسط مقامات کشور به‌عمل می‌آید. اقدامات به‌شدت تبعیض‌آمیز یا سایر اقدامات اهانت‌آوری که توسط جمعیت محلی صورت می‌گیرد، در صورتی آزار قلمداد می‌شود که آگاهانه توسط مقامات نادیده گرفته

شود یا مقامات از ارائه حمایت مؤثر در این گونه موارد خودداری کنند یا ثابت شود در این خصوص ناتوان هستند" (کیهانلو، ۱۳۹۰: ۷۳).

واژه "عدم توانایی" اغلب به پناهندگان بی تابعیت اشاره دارد، ولی "عدم تمایل" به پناهندگانی که از قبول حمایت دولت متبوع خود سرباز می‌زنند؛ این اصل در ادبیات پناهندگی به "فقدان حمایت دولت" تعبیر شده و با "جایگزینی حمایت بین‌المللی به جای حمایت ملی" جبران می‌گردد (کیهانلو: ۱۳۸۹، ۲۱۶). این حمایت موقت است و حقوق بین‌الملل بر اصل بازگشت مجدد این افراد به سرزمینشان با بهبود اوضاع تأکید می‌ورزد. همچنین در صورتی که فرد بتواند از حمایت مقامات غیررسمی یا قدرت‌های جانشین برخوردار شود، مستحق این حمایت شناخته نمی‌شود (کیهانلو، ۱۳۹۰: ۱۳۳).

اسناد بین‌المللی ناظر بر وضعیت‌های پناهندگی

ماده ۱۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر حق پناهندگی را از جمله حقوق بشر اعلام و مقرر کرده است: "۱. در برابر شکنجه، تعقیب و آزار، هر شخصی حق درخواست پناهندگی و برخورداری از پناهندگی در کشورهای دیگر را دارد".^۱ بند ۲ ماده ۲ میثاق حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تبعیض بر مبنای خاستگاه ملی یا اجتماعی را منتفی می‌داند، لذا آنجا که میثاق حقوق «هر کس» را برقرار می‌کند، غیر اتباع حق بهره‌مندی از حداقل این حق‌ها را دارند (Goodwin-Gill, 2009: 277). شایان ذکر است که حقوق مندرج در کنوانسیون‌های حقوق بشر از نظر تعداد افراد ذی‌حق و فراوانی یا محدودیت منابع تخصیص یافته مطلقاًند و این متغیرها تأثیری در شمول آنها بر افراد ایجاد نمی‌کند (Phuong, 2016: 125).

نه نهادهای اروپایی و نه اتحادیه اروپا هیچ‌یک عضو معاهدات حقوق بشری مانند میثاق نیستند؛ اگرچه، چه به‌عنوان یک سنت مبتنی بر قوانین اساسی این کشورها و چه براساس بند ۲ ماده ۲۰۸ معاهده کارکرد اتحادیه اروپا (ماده ۱۷۷ معاهده جامعه اروپا)، اتحادیه و دولت‌های عضو نسبت به تعهدات ایجادشده به موجب معاهدات سازمان ملل و سایر نهادهای بین‌المللی، الزام دارند.^۲ همچنین ماده ۷۸ معاهده کارکرد اتحادیه اروپا صراحتاً بر لزوم انطباق سیاست پناهندگی اروپایی با کنوانسیون پناهندگان و پروتکل آن تأکید می‌کند. پاراگراف ۱۳ اعلامیه کنفرانس وین ۱۹۹۳ در خصوص نسل سوم حقوق بشر اذعان می‌کند: "کنفرانس جهانی حقوق بشر تأکید می‌کند که هر فردی که تحت اذیت و آزار قرار دارد، بدون تبعیض از هر نظر حق دارد درصدد جست‌وجوی پناهندگی به کشورهای دیگر و برخورداری از حق پناهندگی باشد و می‌تواند به کشور خودش بازگردد..." (پرویزی، ۱۳۹۴: ۱۶۱).

1. www.iranianpot.com/2016/12/15/339

2. www.eur-lex.europa.eu

ماده ۳۲ کنوانسیون ۱۹۵۱ اخراج پناهندگان را جز به دلیل حفظ نظم و امنیت عمومی نمی‌پذیرد. بند ۲ این ماده لزوم انجام رویه قانونی و از جمله مراجعه به دادگاه را مورد تأکید قرار می‌دهد؛ بند ۳ همین ماده به الزام اعطای فرصت مناسب به پناهنده جهت دریافت مجوز قانونی ورود به کشور دیگر پرداخته است. در مورد اصل عدم بازگشت در ماده ۳۳ توجه به این نکته حائز اهمیت است که مصدر Refouler در زبان فرانسوی به معنای پس زدن و راندن (دفع کردن) به کار می‌رود. در مورد پناهنده با توجه به تعهد دولت میزبان به بازنگرداندن وی به کشور مبدأ، چنین مصدري باید به "عدم بازگرداندن" ترجمه شود. کنوانسیون ۱۹۵۱ در مورد تعیین دولت مسئول بررسی تقاضای پناهندگی ساکت است. در عمل بعضی دول عضو عبارت ماده ۳۱ کنوانسیون (در ممنوعیت بازداشت و مجازات ورود غیرقانونی توسط پناه‌جویان به قلمرو یکی از دول عضو) را از آنجا که چنین تعهدی متوجه نخستین دولتی است که پناه‌جو به آن وارد شده است، به معنای دولت مسئول بررسی تقاضای پناهندگی و اعطای آن در نظر گرفته‌اند (Goodwin-Gill, 2009:278).

اعلامیه اجلاس نیویورک ۲۰۱۶ اعلامیه مجمع عمومی در مورد پناهندگی و مهاجرت است. از طریق این اعلامیه، دولت‌ها کاهش فشار بر جوامع میزبان از طریق گسترش راه‌حل دولت ثالث و بهبود شرایط کشورهای مبدأ جهت تدارک بازگشت ایمن داوطلبانه و با حفظ حرمت را مورد حمایت قرار دادند (Rulker&Kablör, 2016:8). اعلامیه نیویورک زمینه فعالیت‌های بیشتر در مورد بهبود وضعیت این افراد را از طریق وضع دو "برنامه فشرده جهانی"، یکی در مورد پناهندگان و دیگری در مورد مهاجرت منظم، سازمان‌یافته و ایمن تا سال ۲۰۱۸ ایجاد کرده است (UNHCR, Quick Guide, 2017:21).

وظیفه دولت‌ها آن است که ۱. پاسخ فوری و اضطراری به جابه‌جایی پناهندگان را تسهیل کرده و به سوی رویکرد ثابت که هم پناهندگان و هم جوامع میزبان را تقویت نماید، حرکت کنند؛ ۲. منابع مالی اضافی و قابل پیش‌بینی بشردوستانه جهت حمایت از دولت‌های میزبان را فراهم سازند؛ ۳. به پذیرش پناهندگان در دولت‌های ثالث از طریق افزایش توافقات و کمک کنند؛ ۴. از توسعه و کاربرد برنامه پاسخ جامع پناهندگی (CRRF)، حمایت کنند (UNHCR, Resolution 71/1, 2016).

چارچوب برنامه پاسخ جامع به پناهندگی شامل ۱. معیارهای پذیرش سریع تقاضاهای پناهندگی، ۲. فراهم ساختن نیازهای فوری و مستمر (از جمله حمایت، بهداشت و آموزش)، ۳. همکاری با نهادهای ملی/ محلی و جوامع پذیرنده، ۴. گسترش فرصت‌های دستیابی به راه‌حل‌های پایدار است و به منظور دستیابی به چهار هدف طراحی شده است: ۱. کاهش فشار از دولت‌هایی که پذیرای حجم عظیمی از پناهندگان هستند؛ ۲. تقویت خوداتکایی پناهندگان؛ ۳.

گسترش راه حل کشور ثالث؛ ۴. حمایت از کشورهای مبدأ به منظور بازگشت امن همراه با احترام پناهندگان (ICVA, Briefing paper, 2017:5). این چارچوب توسط دفتر کمیساریا با همکاری مقامات ملی و محلی، سازمان‌های بین‌المللی، همکاری منطقه‌ای و مشارکت نهادهای غیردولتی، و خود پناهندگان تأمین خواهد شد (UN General Assembly, Resolution 10, 2016:5/1).

بخش دوم اعلامیه نیویورک دربرگیرنده برنامه جهانی مهاجرت امن، منظم و قانونی^۱ است؛ این برنامه شامل ۱. تأمین نیازهای آوارگان، ۲. تأمین نیازهای دولت‌های عضو، ۳. سرمایه‌گذاری در توانایی‌ها و قابلیت‌های آوارگان به منظور مشارکت آنها در بازسازی جوامعشان در فرض بازگشت، ۴. استفاده از تجربیات و برنامه‌های پناهندگی پیشین، ۵. ایجاد حلقه اتصال بین راه‌حل‌های درازمدت و صلح پایدار، ۶. مبارزه با قاچاق انسان، ۷. توجه به گروه‌های آسیب‌پذیرتر مانند سالمندان - کودکان - زنان باردار و افراد ناتوان و تأمین فوری نیازهای آنان، ۸. خودداری از جنایی‌سازی مهاجرت غیرقانونی و نامنظم می‌شود (ECOSOC, Second Informal Thematic Session, 2017:12).

قطعنامه شماره ۲۳۹۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد ضمن اعلام این نکته که پاره‌ای از موارد نقض حقوق غیرنظامیان در بحران سوریه، جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت به‌شمار می‌آید، ضمن تأکید بر حق انحصاری شهروندان سوری در تعیین سرنوشت سیاسی کشورشان، از کلیه طرف‌های درگیر می‌خواهد تا شرایط دسترسی کمک‌های بشردوستانه به مناطق بحران‌زده و تحت محاصره را فراهم سازند؛ این قطعنامه همچنین بر لزوم رعایت قوانین بین‌المللی بشر و بشردوستانه تأکید می‌ورزد (Security Council of the UN, Resolution 2393, 2017:18). شورا همچنین براساس قطعنامه ۲۱۳۹ از کلیه طرف‌های درگیر جنگ در سوریه خواسته است تا با حمایت از افراد غیرنظامی، امکان دسترسی سازمان‌های حقوق بشری را به آوارگان در مناطق تحت محاصره فراهم سازند. علاوه‌بر تلاش در جهت فراهم ساختن امکان دسترسی کمک‌های بشردوستانه، شورا کوشیده است تا برای بحران مذکور به راه‌حل‌های سیاسی دست یابد (Adams, 2015:3).

براساس بند ۸ اساسنامه کمیساریای عالی، وظیفه اجرای حقوق مندرج در کنوانسیون‌های بین‌المللی حمایت از پناهندگان، و ارائه پیشنهادها لازم به منظور بهبود وضعیت پناهندگان و کاهش تعداد افراد نیازمند به حمایت بر عهده کمیساریای عالی است (Hurwitz, 2009:12). اعلامیه ۱۷ام منضم به معاهده جامعه اروپا، مقرر می‌دارد که اتحادیه می‌تواند در موضوعات مرتبط با مسئله پناهندگی با کمیساریا مشورت کند؛ در عمل دفتر اروپایی کمیساریا نه تنها در خصوص پیش‌نویس قوانین اعلام نظر می‌کند، بلکه به صورت گسترده‌ای در اجرای بخش‌های

1. Global plan on safe, regular and legal migration

مختلف سیاست مشترک پناهندگی اروپایی، استقرار مجدد پناهندگان و مداخله در ابعاد خارجی این سیاست ایفای نقش می‌نماید.^۱ در بررسی عملکرد کمیساریا آنچه قابل ارزیابی است آنکه رویه کمیساریا بیشتر با الزامات حقوق بشر به معنای عام آن مطابقت می‌کند تا با حقوق بین‌الملل بشردوستانه یا حقوق بین‌المللی پناهندگان. برای تقویت مبانی حقوقی عملکرد کمیساریا باید اصول و قواعد موجود، از جمله کنوانسیون، اصلاح و تکمیل گردد و در صورت مساعد بودن شرایط، کنوانسیون‌های جدیدی تدوین شود (مولایی، ۱۳۸۱: ۱۴۶).

اسناد اروپایی ناظر بر وضعیت‌های پناهندگی

بسیاری از مواد منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا (این منشور از زمان اجرایی شدن پیمان لیسبون به صورت قانونی به رسمیت شناخته شده و الزام آور اعلام شد و براساس ماده ۱۹(۱) معاهده اتحادیه اروپا، حقوق مندرج در آن باید در سطح ملی توسط دولت‌های عضو به گونه مؤثری رعایت شود)، مستقیماً در خصوص پناهندگان قابل اجرا هستند؛ از جمله حق بر پناهندگی و حمایت از افراد در مقابل استرداد و اخراج (مواد ۱۸ و ۱۹)، عدم تبعیض براساس نژاد، جنس و... (ماده ۲۱)، آزادی جابه‌جایی و اقامت از جمله برای شهروندان دول ثالث که به صورت قانونی در اتحادیه اقامت دارند، (ماده ۴۵)، حق برخورداری از محاکمه منصفانه و جبران خسارت (ماده ۴۷) (نقوی، ۱۳۹۲: ۲۴).

لزوم اجرای کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در ماده ۶(۲) معاهده اتحادیه اروپا پیش‌بینی شده است. براساس کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، پناهندگان نه به عنوان "مقیم قانونی"، بلکه به عنوان "حاضران قانونی"^۲ در نظر گرفته می‌شوند تا بتوانند از بعضی حقوق مقرر در کنوانسیون بهره‌مند شوند. این حقوق شامل ممنوعیت شکنجه، مجازات و سایر رفتارهای تحقیرکننده (ماده ۳)- این ماده مبنای اصلی مشروعیت تقاضای پناهندگی را در نظام اتحادیه اروپا در کنار کنوانسیون ۱۹۵۱ شکل می‌دهد- حق بر جبران خسارت (ماده ۱۳)، ممنوعیت تبعیض از جمله براساس نژاد، ملیت یا ریشه اجتماعی (ماده ۱۴) می‌شود. پروتکل شماره ۴ کنوانسیون در خصوص آزادی جابه‌جایی در قلمرو دولت‌های عضو (ماده ۲) و ممنوعیت اخراج دسته‌جمعی بیگانگان (ماده ۴) است؛ و پروتکل شماره ۱۲ در خصوص ممنوعیت و محو کلیه اشکال تبعیض از جمله براساس خاستگاه ملی یا اجتماعی یا تولد است. در مورد اخراج فرایند مناسب دادرسی شامل ۱. آگاهی از وجود پرونده علیه فرد، ۲. فرصت ارائه اطلاعات و دلایل جهت نقض تصمیم

1. http://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/note/join/2013/433711/ EXPO-DROI_NT% 282013% 29433711_EN.pdf.

2. lawfully staying

3. lawfully present

و ۳. حق بر تجدیدنظرخواهی علیه رأی دادگاه در مقابل یک هیأت مستقل و ... می شود (Hurwitz, 2009:307).

در مورد پناهجویان معیارهای بند ۱ ماده ۶۳ معاهده جامعه اروپا شامل ۱. مکانیزم مشخص کردن دولت مسئول بررسی درخواست‌های پناهندگی، ۲. استانداردهای حداقلی در پذیرش پناهجویان و ۳. معیارهای حداقلی برای تضمین یا لغو وضعیت پناهندگی در کشورهای عضو می شود (Goodwin-Gill, Mc Adams, 2009:230). اثر عمده تغییرات نظام سیاسی اتحادیه ناشی از معاهدات آمستردام، نیس و لیسبون بر سیاست پناهندگی اتحادیه شامل ۱. تقویت نقش نهادهای اتحادیه در سیاست‌های پناهندگی آن در مقایسه با نهادهای بین دولتی تعیین شده در معاهده ماستریخت، ۲. افزایش چشمگیر اهمیت بازیگران قضایی در این سیاست (قضایی سازی سیاست پناهندگی) می شود. معاهده آمستردام نقش پارلمان اروپا و نیز دیوان دادگستری اروپایی را در این خصوص افزایش داد و دو نقش ۱. تفسیر مواد معاهدات مرتبط با پناهجویان و ۲. بررسی اعتبار عملکرد نهادهای جامعه بر مبنای آن معاهدات (فقط در مورد پرونده‌هایی که ابتدا در برابر دادگاه‌ها یا هیأت‌های رسیدگی داخلی مطرح شده باشند) را بر عهده دیوان دادگستری اروپایی نهاد.

معاهده لیسبون به منزله اصلی ترین سند کنونی اتحادیه اروپایی، به اتحادیه این صلاحیت را می دهد که ابزار قانونی لازم را برای نظام مشترک حمایت موقت و رویه مشترک تضمین وضعیت پناهندگی قانونگذاری کند. ماده ۸۰ معاهده کارکرد اتحادیه اروپایی تأکید دارد که بررسی پناهندگی و مهاجرت در مرزها باید تحت حاکمیت اصول وحدت و نیز توزیع منصفانه مسئولیت میان دولت‌های عضو باشد. اصلی ترین مستند قانونی برخورد اتحادیه اروپا با پناهندگان، مقررده دبلین ۲۰۱۳ در خصوص تعیین دولت مسئول بررسی درخواست پناهندگی است. هدف از این مقررده جلوگیری از درخواست پناهندگی در بیش از یک کشور و کاهش تعداد درخواست‌های پناهندگی است.

گرد هم آمدن اعضای یک خانواده (همسران و فرزندان زیر ۱۸ سال)، بیماران، زنان باردار، سالمندان و معلولان در کشوری که خانواده‌شان در آنجا زندگی می کنند و افراد بی سرپرست غیربالغ و اعزام آنها به کشوری که یکی از خویشاوندانی که قادر به سرپرستی این افراد باشند در آن زندگی می کنند، از استثنائات مقررده دبلین محسوب می شوند. در این زمینه شورا توجه دولت‌های اروپایی را به پاراگراف ۱۸۵ دستورالعمل کمیساریا در مورد آیین و موازین پناهندگی جلب کرد، که مفهوم خانواده را به سایر خویشاوندان وابسته مانند والدینی که مسن هستند، گسترش داده است (European Council, Directive 2003/86/EC:28). مشکل نظام دبلین آن است که دولت‌های مرزی به دلایل مختلف شرایط نامناسبی دارند و احتمال رد تقاضای پناهندگی در آنها زیاد است؛ از این رو پناهجویان به سایر کشورهای اروپایی جابه‌جا می شوند و این دولت‌ها به دلیل شرایط بد

دولت‌های نخست از اجرای مقررۀ دوبلین در مورد آنها خودداری می‌کنند که در نتیجه سبب معلق شدن این قانون می‌شود (Goodwin-Gill, Mc Adams, 2009:231).

مفاهیم مرتبط با این مقررۀ شامل نخستین کشور ورودی (مشخص کردن این کشور جهت رد تقاضای پناهندگی در کشور دیگر حائز اهمیت است)؛ کشور امن مبدأ (جهت تسریع رد چنین تقاضاهایی و بازگرداندن آنها به کشورشان)؛ دولت امن ثالث (به منظور انتقال بار مسئولیت به کشورهای ترانزیت-کشورهای مسیر عبور پناهجویان) و قراردادهای پذیرش مجدد می‌شود.^۱ دستورالعمل سال ۲۰۱۳ شورای اروپا در خصوص تضمین اعطا یا لغو وضعیت پناهندگی، از دولت‌های عضو می‌خواهد از امور زیر مطمئن شوند: ۱. دولت ثالث بخشی از کنوانسیون و پروتکل باشد و آن را رعایت کند؛ ۲. تحویل متقاضی به دولت ثالث همراه با احترام و حفظ شخصیت وی باشد؛ ۳. در چارچوب ماده ۳۲ کنوانسیون وین، زندگی و آزادی وی در آن کشور در معرض تهدید قرار نگیرد (European Council, Directive 2011/95/EC)؛ ۴. پناهجو در کشور ثالث تا زمانی که لازم است از تمام حمایت‌های موردنیاز برخوردار باشد (European Council, Directive 2005/85/EC:33, and European Union, Directive 2013/32/EU:55).

تفاوت نظام و رویه‌های پناهندگی در کشورهای مختلف اروپایی سبب می‌شود تا پناهجویان در واقع با نوعی قمار در دستیابی به حمایت بین‌المللی مواجه باشند (بسته به آنکه نخستین بار وارد کدام کشور می‌شوند (Euro-Mediterranean Human Rights network, 2015:32)). از این رو اتحادیه کوشیده است برای مواجهه با این امر و نیز بنا به دلایل پیش‌گفته به سمت تدارک نظام یکپارچه سیاست پناهندگی و مهاجرت گام بردارد. هدف از نظام مشترک پناهندگی اروپایی^۲ دستیابی به نظامی است که در تمام کشورهای اتحادیه به گونه مشابهی عمل کند تا تمام پناهندگان از حقوق مشابه برخوردار باشند (Castello, 2016:14). این نظام از سه دستورالعمل و یک مقررۀ به شرح زیر تشکیل شده است: ۱. دستورالعمل شرایط پذیرش پناهنده (۲۰۱۳)؛^۳ ۲. دستورالعمل کیفی (۲۰۱۱)؛^۴ ۳. دستورالعمل رویه رسیدگی به درخواست‌های پناهندگی (۲۰۱۳)؛^۵ و ۴. مقررۀ دوبلین سه (۲۰۱۳). این نظام مبتنی بر دو جنبه است: فرایند واحد بررسی تقاضاهای پناهندگی توسط دول عضو و هماهنگی معیارهای ملی پناهندگی به منظور جلوگیری از جابه‌جایی پناهندگان درون مرزهای اتحادیه (Bakowski & others, 2015:312). دولت‌های عضو موظفاند پس از پذیرش تقاضای پناهندگی،

1. <https://ec.europa.eu>

2. European common asylum system.

3. Directive: Reception condition (2013)

4. Directive: Qualification (2011)

5. Directive: procedures (2013)

اجازه اقامت، اسناد سفر، دسترسی به آموزش، شغل، رفاه اجتماعی، مراقبت‌های بهداشتی، اقامت و حق جابه‌جایی در درون مرزها و فراهم آوردن تسهیلات ادغام با جامعه را برای پناهندگان فراهم سازند (European Council, Directive 2004/83/EC:47).

همان‌گونه که بیان شد، در صورت عدم استحقاق موقعیت پناهندگی، آوارگان می‌توانند مشمول حمایت موقت شوند. این حمایت در حالات مربوط به هجوم دسته‌جمعی آوارگان می‌تواند در صورت موافقت وزرای اتحادیه (با حدنصاب اکثریت کیفی) به پناهجویان یک منطقه جنگی اعطا شود (European Council, Directive 2001/55/EC:40). این حمایت شامل اجازه اقامت و کار، خدمات آموزشی (برای افراد غیر بالغ)، مراقبت‌های پزشکی و گردهمایی مجدد خانواده‌ها می‌شود (Euro-Mediterranean Human Rights network, 2015:33).

سیاست اروپایی برون‌سپاری پدیده پناهندگی در سال ۱۹۹۲ توسط شورای وزیران ایجاد شد؛ رویکرد پذیرش مجدد در قالب انعقاد موافقت‌نامه‌هایی با کشورهای ثالث غیر عضو اتحادیه سبب می‌شود که از یک سو مرزهای خارجی اتحادیه حراست شوند و از دیگر سو مسئولیت اقدامات ناقض حقوق بشر از اتحادیه سلب گردد (واعظی، ۱۳۹۲: ۴۱). مبنای قانونی مورد استناد اتحادیه در موضوع پذیرش مجدد بند ۳ ماده ۷۹ معاهده لیسبون است که مقرر می‌دارد اتحادیه می‌تواند موافقت‌نامه‌هایی را با کشورهای ثالث برای پذیرش مجدد اتباع خود یا اتباع کشورهای دیگری که شرایط ورود و اقامت در اروپا را ندارند، منعقد کند. براساس ماده ۳۸ (۱) دستورالعمل رویه دولت امن ثالث، شرایط اعمال این رویه شامل موارد زیر است: ۱. نبود خطر تعقیب و آسیب جدی؛ ۲. رعایت اصل عدم بازگشت؛ ۳. دسترسی به پناهندگی؛ و ۴. نظارت بر اجرای الزامات حقوق بین‌الملل بشر. به موجب قرارداد اتحادیه اروپا با دولت ترکیه این فرایند باید شامل موارد زیر باشد: ۱. جمع‌آوری اطلاعات هویتی متقاضی پناهندگی؛ ۲. اطمینان از سوری بودن فرد و ثبت نام وی توسط مقامات ترکیه قبل از ۲۹ نوامبر ۲۰۱۵؛ ۳. ارزیابی دلایل برخورداری یا عدم برخورداری از حمایت بین‌المللی؛ ۴. ارزیابی ارتباط خانوادگی احتمالی در دولت متقاضی؛ تصمیم‌گیری نهایی باید به عهده دولت‌ها باشد و ظرف شش ماه باید در این خصوص نتیجه‌گیری شود.^۱

قضایای سازی سیاست پناهندگی اروپایی

به معنای افزایش نقش و اهمیت رویه مراجع قضایی اروپایی و متون آن در تعیین سیاست اروپایی در قبال پناهندگان است. دیوان دادگستری اروپایی همواره بر استناد به منشور اروپایی آزادی‌های بنیادین تأکید بسیار داشته است. براساس مواد ۲۶۳ تا ۲۶۵ معاهده کارکرد اتحادیه

1. www.ec.europa.eu

اروپایی نهادهای اروپایی یا دول عضو می‌توانند نسبت به اعلام بطلان یک قانون به ادعای عدم مطابقت با منشور حقوق بنیادین در دیوان طرح دعوا کنند؛ ورود کمیساریا به‌عنوان طرف دعوا یا شخص ثالث در پرونده‌های مطروحه در دیوان تنها در شرطی امکان‌پذیر است که کمیساریا ابتدا در دادگاه‌های ملی به پرونده ورود کرده باشد.^۱ در پرونده C-29/69 دیوان حمایت از "حقوق بنیادین موجود در اصول کلی قانون جامعه" را لازم شمرده که نقطه عطفی در به رسمیت شناختن آن دسته از حقوق بشر که در معاهدات اروپایی نیامده است، محسوب می‌شود (CJEU, 1969:para.7). در پرونده C-374/87 دیوان اعلام داشت که این دیوان به تفاسیر صورت‌گرفته توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و نیز میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی پایبند و ملزم است (CJEU,1989:para.18).

دیوان همچنین بر لزوم اجرای دقیق مقررات دوجانبه تأکید می‌ورزد؛ برای مثال در پرونده‌ای، اسلوونی از کمک به یک پناهجوی سوری که از کرواسی وارد آن کشور شده بود، براساس مقررات دوجانبه خودداری کرد؛ مسئله‌ای که در مورد دو پناهجوی افغان که از طریق اسلوونی و کرواسی به اتریش رسیده بودند نیز صورت گرفت. دیوان در آرای صادره اعتراض پناهجویان را نپذیرفت. در پرونده C-490/16 دیوان اعتراض شاکی در مورد بازگرداندن او را، براساس ماده ۲۷ مقرر دوجانبه سه که مواعد موردنظر ماده ۲۹ (۱) و (۲) را تا زمان تعیین تصمیم قطعی در این خصوص معلق می‌گرداند، پذیرفت (CJEU, 2017:para.56). در پرونده C-638/16 در خصوص درخواست یک خانواده سوری جهت اخذ ویزای بشردوستانه در سفارت بلژیک در لبنان، دیوان اعلام کرد حتی اگر درخواست به‌صورت رسمی و براساس ماده ۲۵ (۱) (a) تقدیم شده باشد، از دامنۀ قوانین مرتبط با ویزا خارج است، زیرا هدف این تقاضا-درخواست پناهندگی با ورود به بلژیک-با ویزای کوتاه‌مدت، متفاوت است (CJEU, 2017:para.52).

در سال ۲۰۱۷ دیوان در دو پرونده C-643/15 به ترتیب شکایت اسلواکی علیه شورای اتحادیه اروپا و نیز C-647/15 شکایت مجارستان علیه این شورا به نظام سهمیه‌بندی پذیرش پناهجویان را رد کرد. دیوان با لحاظ شرایط خاص کشورهای مرزی چون ایتالیا و یونان با این استدلال که توزیع بار مسئولیت و همکاری و تعاون از جمله اصول اولیه معاهدات تشکیل‌دهنده اتحادیه است و باید توسط دول عضو رعایت شود، استدلال این دولت‌ها را مبنی بر اینکه چنین نظام سهمیه‌بندی خلاف نظام تصمیم‌گیری اجماعی شورا است، رد کرد؛ امری که نشان‌دهنده توجه این نهاد قضایی به مقتضیات خاص بحران موجود و لزوم لحاظ آن در تصمیم‌گیری‌های حقوقی و نیز قضایی است (CJEU,2017:para.343).

1. http://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/note/join/2013/433711/EXPO-DROI_NT%282013%29433711_EN.pdf.

دادگاه اروپایی حقوق بشر در تعیین حقوق پناهندگان در معرض اخراج نه به نفس عمل، بلکه به شرایطی که پناهجو بر اثر اخراج در کشور مبدأ با آن روبه‌رو می‌شود، توجه می‌کند و این شرایط را در م‌فاهیم گسترده‌ای چون خشونت خانگی و... در نظر می‌گیرد (Lavresen, 2012:218). در پرونده 30240/96 دادگاه صرف حضور فیزیکی متقاضی را در خاک انگلستان کافی دانست؛ با این استدلال که دولت‌ها نمی‌توانند از مرزهای خود به منظور فرار از مسئولیت استفاده کنند (ECtHR, 1996:para.48). پناهجو باید ادعای خود را به یک یا چند مورد از مواد کنوانسیون مرتبط کند (ماده ۳ یا ماده ۸)؛ اما رویکرد دادگاه در این خصوص محدود است (که می‌تواند نشان‌دهنده دیدگاه دادگاه در خصوص حساسیت دولت‌ها در مقابل مسئله پناهندگی باشد)؛ از این رو دادگاه نتوانسته است حمایت لازم جهت پناهندگان را به گونه مقتضی فراهم سازد. کاربرد مواد ۱۳، ۵ و ۳ توسط قضاات دادگاه نشان می‌دهد که دادگاه تمایل ندارد که مقامات حکومتی، حمایت کنوانسیون اروپایی را به غیرشهروندان اتحادیه که صرفاً دلایل انسان‌دوستانه دارند و هیچ رابطه یا اقامتی در اروپا ندارند، گسترش دهند.

در پرونده 27725/10 در خصوص نقض ماده ۳ کنوانسیون حقوق بشر اروپایی از طریق اجرای مقررۀ دوبلین و بازپس فرستادن شاکی توسط هلند به ایتالیا، دادگاه چنین ادعایی را نپذیرفت (Wollmer, 2014:112). در پرونده 29217/12 دادگاه ادعای متقاضیان مبنی بر نقض ماده ۳ را به دلیل اینکه آنها شش کودک خردسال داشتند و بازگرداندن آنها به ایتالیا ممکن بود این کودکان را در معرض شرایط نامناسب قرار دهد، پذیرفت (ECtHR, 2012:para.19). موارد مذکور نشان می‌دهد که عملکرد دادگاه حقوق بشر اروپا در غالب موارد مبتنی بر رعایت دقیق مقررۀ دوبلین بوده است. دادگاه به‌ویژه در موارد مرتبط با اطفال، افراد دارای شرایط خاص و خانوارها و نیز اخراج جمعی تمایل بر اعلام نقض مواد کنوانسیون دارد. در مقابل رویۀ دیوان نشان می‌دهد که علی‌رغم عدم عضویت اتحادیه اروپا در کنوانسیون ۱۹۵۱، این دادگاه همواره مقررات کنوانسیون را بر تصمیمات اتحادیه و مقررات آن مقدم می‌داند. حفاظت از حقوق بشر در دیوان از دادگاه ضعیف‌تر است، زیرا در دیوان خواهان باید نقض سیستماتیک حقوق داخلی را به اثبات برساند، در حالی که در دادگاه تمرکز بر وضعیت مشخص است. دادگاه اروپایی به‌ویژه در خصوص تعیین معیارهای قانونی مورد عمل در پرونده‌های پناهندگی ایفای نقش می‌کند؛ این معیارهای قانونی به‌خصوص در زمینه حمایت از بیگانگان در مقابل اخراج غیرقانونی از سوی دادگاه حائز اهمیت شمرده می‌شوند (European Parliament, Directorate General, 2012:438).

نتایج و پیشنهادها

بررسی اسناد بین‌المللی و اروپایی مرتبط با وضعیت‌های پناهندگی به‌روشنی وجود تعهدات و

تکالیف دولت‌های اروپایی در خصوص پناهندگان را در سه سطح ملی، فراملی و بین‌المللی نشان می‌دهد. تدابیر اتخاذ شده از سوی اتحادیه و دولت‌های عضو، غالباً تحت تأثیر متغیرهای پیش‌گفته به‌نحو چشمگیری با عملکرد آنان در موارد مشابه متفاوت است. بررسی رویکرد دولت‌های اروپایی نشان می‌دهد که به‌صورت بالقوه اتحادیه می‌تواند نقش مثبتی در توسعه و اعمال این حقوق داشته باشد، اگرچه نقص و ناتوانی نظام حقوقی آن و نیاز به اصلاحات اساسی ساختاری به‌وضوح قابل مشاهده است. چالش اصلی اتحادیه فقدان راهبرد جامع از سوی اروپاست؛ تعدد نهادهای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در سطح اتحادیه، تداخل و تعارض منافع ملی و فراملی از زمره مشکلات موجود است. دول عضو باید قوانین داخلی خود را به‌منظور تطبیق و هماهنگی بیشتر با قوانین اتحادیه اروپا تغییر دهند و میزان تبعیت از تصمیمات جمعی اتحادیه را تقویت کنند؛ امری که علاوه‌بر تغییر در قوانین داخلی، مستلزم تغییر ساختاری اتحادیه و معاهدات سازنده آن است. به‌صورت فهرست‌وار راه‌حل‌های پیش‌رو شامل موارد زیر می‌شوند: کمک‌های مالی و ارزی کافی به کشورهای شرقی و جنوبی اروپا به‌منظور تأمین شرایط مناسب اسکان پناهجویان؛ اعطای حمایت موقت به پناهندگان و بازگشت آنها به کشورشان با فراهم شدن شرایط مناسب؛ تفکیک میان پناهجویان و مهاجران اقتصادی و سخت‌تر کردن شرایط پذیرش برای دسته اخیر؛ تلاش در دستیابی به صلح در کشور مبدأ؛ حمایت‌های دوران پس‌اصلاح و مشارکت در بازسازی سوریه؛ تأکید بر نقش حیاتی کمیساریای عالی سازمان ملل در دستیابی به اهداف مذکور؛ تلاش در جهت اعطای پناهندگی به افراد واجد شرایط با اولویت افراد در شرایط خاص (زنان/ کودکان بی‌سرپرست)؛ فراهم کردن شرایط مساعد جهت ادغام اجتماعی و فرهنگی در جامعه میزبان و یاری در جهت استقلال اقتصادی و خودکفایی مالی آنان.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. پرویزی، جمشید (۱۳۹۴). *سیاست مهاجرت و پناهندگی اتحادیه اروپا و مسئله حقوق بشر*، چ اول، تهران: مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۲. ----- (۱۳۹۴). *تحولات خاورمیانه و سیاست‌های مهاجرتی اتحادیه اروپا*، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه با همکاری انجمن علوم سیاسی.
۳. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۸). *لغت‌نامه*، ج ۴۶، تهران: انتشارات دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.
۴. سلجوقی، محمود (۱۳۷۷). *حقوق بین‌الملل خصوصی*، ج ۱. تهران: دادگستر.

۵. کیهانلو، فاطمه (۱۳۹۰). پناهندگی (نظریه‌ها و رویه‌ها)، چ اول، تهران: جنگل.
۶. واعظی، محمود (۱۳۹۲). هویت جمعی و همگرایی اروپایی، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.

ب) مقالات

۷. کیهانلو، فاطمه (۱۳۸۹). «مفهوم فقدان حمایت دولتی در دعاوی پناهندگی»، پژوهش حقوق و سیاست، سال دوازدهم، ش ۲۸.
۸. مولایی، یوسف (۱۳۸۱). «پناهندگی و آوارگی در درگیری‌های مسلحانه»، بررسی تحولات اخیر حقوق بشردوستانه بین‌المللی (مجموعه مقالات نخستین همایش حقوق بشردوستانه بین‌المللی در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه سازمان هلال احمر ج.ا.
۹. نقوی، سید محمدعلی (۱۳۹۲). «رژیم حقوق بشر در اتحادیه اروپایی؛ عدم شمولیت و یکپارچگی»، پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال دوم، ش ۱.

ج) کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی

۱۰. اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ (مواد ۱، ۲، ۳، ۱۳ و ۱۴).
۱۱. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۵۴ (ماده ۲).
۱۲. کنوانسیون پناهندگان ۱۹۵۱ (مواد ۱، ۳، ۳۱ و ۳۳).
۱۳. اساسنامه کمیساریا عالی پناهندگان ملل متحد ۱۹۵۰ (ماده ۸).
۱۴. معاهده کارکرد اتحادیه اروپایی ۲۰۰۷ (ماده ۸۰).

۲. انگلیسی

A) Books

15. Castello, Catherine, (2016). *The human rights of migrants and refugees in European law*, Oxford university press.
16. Hurwitz, Agnes, (2009). *The collective responsibility of states to protect refugees*, Oxford university press.
17. Goodwin-Gill, Guy. S, Jane Mc Adams, (2007). *The Refugee in International Law*, Oxford university press.

B) Articles

18. Adam, Simon, "Failure to protect: Syria and the UN Security Council", *Global Center for the responsibility to protect*, 2015, available at http://www.globalr2p.org/media/files/syriapaper_final.pdf.

19. Bakowski, Pieter, Popcheva, Iva-Maria, Ivanof, Detlin, (2015). "EU migratory challenges possible responses to the refugee crisis", *European parliamentary research service*, PE 568.
20. Castello, Catherine, (2012). "Courting Access to Asylum in Europe: Recent Supranational Jurisprudence Explored", *Human Rights Law Reviews*, 12:2, Oxford University press.
21. Goodwin- Gill, Guy S. ,(2016). "The Mediterranean papers: Athens, Naples and Istanbul, three paper addressing some of the legal practical issues raised by the movement of people across the Mediterranean in search of protection", *international journal of refugee law*. No2, volume 28.
22. Lavresen, Lauren, (2012). "European Asylum law and the ECHR: An uneasy coexistence", *Gottingen Journal of international law*4.
23. Phuong, Catherine, (2016). "Identifying States Responsibilities towards Refugee and Asylum Seekers", *University of Newcastle*, UK.
24. Rolker, Turk, Andrew & Renita, Kablor, (2016). "A minor miracle: A new global compact on refugees", *center for international refugee law*, university of New South Wales, Sydney.

C) Documents

25. New York declaration, UNHCR, Quick guide, last update June 2017. Task team on comprehensive Responses, UNHCR headquarters, Geneva.
26. The New York Declaration for refugees and migrants (Answers to Frequency asked question), UNHCR, 2016. (resolution 71/1).
27. The global compact on refugees explained: An ICVA Briefing paper (A global NGO network for principled and effective humanitarian action), June 2017.
28. Toward a global compact on refugees a roadmap UNHCR, may 2017.
29. Resolution 10/1 adopted by the General Assembly on 19 September 2016 New York Declaration for refugees and migrants (A/71/L.1) seventy-first session.
30. Global compact for safe, orderly and regular migration, second informal thematic session: Addressing drivers of migration, including adverse effects of Climate Change, Natures Disasters and Human made Crisis, through protection and assistance, sustainable development, poverty eradication, conflict prevention and resolution, may2017, ECOSOC chamber, UN. HQ.
31. European parliament, EU legal framework an asylum and irregular immigration, "on arrival "state of play, 2015, European parliamentary research service, PE 551.333.
32. Council Directive 2004/83/EC on minimum standards for the qualification and status of third country nationals or stateless persons or refugees of as persons who otherwise need international protection and the content of the protection granted L 304/12, official Journal of the European Union.
33. Legislation on emergency relocation and asylum seekers in the EU, European parliament, European parliamentary Research Service 2015, PE569.018.
34. Legislation on emergency relocation and asylum seekers in the EU, European

- parliament, European parliamentary Research Service 2015, PE569.018.
35. The influence of CJEU and ECtHR case law on asylum and immigration, European parliament, directorate General for internal policies, policy department C: Citizens, rights and constitutional affairs, 2012 (PE 462.438).
 36. Council Directive 2013/32/EU of the European Parliament and of the Council of 26 June 2013 on common procedures for granting and withdrawing international protection.
 37. Council directive 2005/85/EC of the European Union of 1 December 2005 on Minimum Standards on Procedures in Member States for Granting and Withdrawing Refugee Status.
 38. Resolution 2393, Security Council of the UN, 8141st meeting, 19 December, 2017. Available at <http://www.securitycouncilreport.org/un-documents/syria/>.

D) Cases

39. C.490/16, (A.S/Republica Slovenija), CJEU, 2017.
40. C.638/16, (X and X/Etat Belge), CJEU, 2017.
41. C.374/87, (Orkem/European Commission), 1989, CJEU, ECR3283.
42. Application No.30240/96, (D/The United Kingdom), ECtHR, 1997.
43. Application No.29217/12, (Tarakhel/Switzerland), ECtHR, 2012.
44. Application No.27725/10, (Samsam Mohammed Hussein and Others/The Netherlands and Italy), ECtHR, 2013.

E) Internet Resources

45. www.iranianpot.com/2016/12/15/339.
46. www.eur-lex.europa.eu.
47. <http://www.unhcr.org/news/latest/2015/12/5683d0b56/million-sea-arrivals-reach-europe-2015.html>.
48. <https://euromedrights.org/wp-content/uploads/2015/09/EMHRN-Position-Paper-on-Refugees-from-Syria-amended-EN.pdf>.
49. http://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/note/join/2013/433711/EXPO-DROI_NT%282013%29433711_EN.pdf.

F) Thesis

50. Wollmer, Anna, (2014). International refugee law and the common European asylum system (conform inly or human rights violation), Master's thesis in public International law, Upsala University, Department of law.